

## فلسفه نمی تواند به مقوله صلح بی توجه باشد

دکتر حسین کلباسی در همایش بزرگداشت ملاصدرا تصریح کرد: قبل و بعد از کانت کمتر فیلسوفی را می شناسیم که به مقوله صلح بی اعتنا بوده و درباره آن نیاندیشیده باشد.



دکتر حسین کلباسی در همایش بزرگداشت ملاصدرا تصریح کرد: قبل و بعد از کانت کمتر فیلسوفی را می شناسیم که به مقوله صلح بی اعتنا بوده و درباره آن نیاندیشیده باشد. افلاطون، آگوستین، بیکن، هابز و نیز هگل و بسیاری دیگر دغدغه صلح و همزیستی انسان ها را داشتند و اساساً فلسفه نمی توانست و نمی تواند نسبت به آن بی توجه باشد؛ زیرا صلح با مقولاتی چون اخلاق، فضیلت، حق و حقوق و غایات بشری نسبت تنگاتنگ دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، هجدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا با عنوان «فلسفه و صلح جهانی» صبح امروز پنجشنبه اول خرداد به همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا در مجتمع آدینه آغاز شد.

دکتر حسین کلباسی استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی طی سخنانی در این همایش به ارایه مقاله خود با عنوان «فیلسوفان و صلح جهانی» پرداخت و گفت: صلح در بعد جهانی آن از چه زمانی و توسط چه کسانی مطرح شده است؟ امروزه مفاهیمی چون امنیت، بهداشت، حقوق، زیست، نظم و ... با پسوند جهانی مطرح شده و بسیار رایج است. از زمان اسکندر و ایده «جهان وطن» او تا حدود قرن 11 میلادی که در دنیای مسیحیت، سخن از «دین جهانی» به میان آمد، کسی از مقوله جهانی شدن حیثیات بشری چیزی نگفت اما امروزه «جهانی شدن» اقتصاد و فرهنگ و هنجار و سبک زندگی و ... را بر سر زبان ها آورده است.

وی افزود: در مقوله صلح جهانی تا آنجا که می دانیم نخستین رساله آن هم به سبک و سیاق فلسفی نوشته کانت با عنوان «درباره صلح پایدار»، یک طرح فلسفی است که اواخر قرن 18 نوشته شد. البته خاستگاه نظری کانت در این رساله هم ناظر به آرمان های انقلاب فرانسه بود و هم ناظر به مبانی انسان شناسی او، اما مانند اخلاق صوری کانت در حد یک طرح آرمانی باقی ماند.

دکتر کلباسی یادآور شد: قبل و بعد از کانت کمتر فیلسوفی را می شناسیم که به مقوله صلح بی اعتنا بوده و درباره آن نیاندیشیده باشد. افلاطون، آگوستین، بیکن، هابز و نیز هگل و بسیاری دیگر دغدغه صلح و همزیستی انسان ها را داشتند و اساساً فلسفه نمی توانست و نمی تواند نسبت به آن بی توجه باشد؛ زیرا صلح با مقولاتی چون اخلاق، فضیلت، حق و حقوق و غایات بشری نسبت تنگاتنگ دارد. افلاطون تمامی این مقولات را ذیل نظم کیهانی و نفس کلی منتشر در عالم می بیند و توجیه نمی کند اما تفکر جدید و تکنیکی آن را با عقل جزئی و کاربردی ملاحظه می کند.

این استاد فلسفه در پایان تصریح کرد: دشواری مطلب دقیقاً در همین جا است که صلح در بعد و ساحت جهانی آن با چه هدفی و برای رسیدن به چه مقصدی مطرح می شود؟ فلسفه و فیلسوفان نوعاً صلح را در نسبت با اخلاقیات و کمالات آدمی می سنجند اما نگاه تکنیکی و ابزاری، صلح را برای رسیدن به مقاصد جزئی و شاید مطامع پاره ای از صاحبان قدرت، طول و تجارت لحاظ می کند. اکنون حداقلی از اهل فلسفه در روزگار ما انتظار می رود، پیراستن این مقوله از پیرایه های غیراخلاقی و سودجویانه و بیان وجهه تکوینی صلح به زبان وجودشناسانه و البته غیرتکنیکی است.